

جایگاه «تعویق صدور حکم» در حقوق ایران با رویکردی تطبیقی به قوانین فرانسه، انگلستان و آلمان

مهرداد رایجیان اصلی^{۱*}، ولی اله صادقی^۲

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۶

پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱۷

چکیده

یکی از جلوه‌های سیاست جنایی مشارکتی و دخالت دادن نهادهای اجتماعی در کنترل جرم، ضمانت‌اجراهای اجتماع‌محور هستند و از جمله آن‌ها نهاد تعویق صدور حکم است. در این نهاد، دادگاه اختیار دارد تا در صورت احراز مجرمیت مرتکب، در راستای اصل شخصی کردن مجازات، محکومیت را برای مدتی معین به تأخیر بیندازد. سرانجام این قرار، به اقصای دادگاه بر موفقیت یا عدم موفقیت مرتکب پس از ارزیابی میزان تبعیت از الزامات قانونی بستگی دارد که حسب مورد می‌تواند معافیت از مجازات و یا حکم آن باشد. با بررسی مقررات این نهاد در ایران و مقایسه آن با قوانین کشورهای دیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که این مقاله به مطالعه تطبیقی آن با قوانین فرانسه، انگلستان و آلمان می‌پردازد. روح حاکم بر تمام این مقررات، توجه توأم به دو کارکرد اصلاح و بازسازی بزه‌کار و جبران خسارت بزه‌دیده در جرائم کم اهمیت است که می‌تواند آثار مثبتی به همراه داشته باشد. در وضعیت کنونی این نهاد در ایران، ابهاماتی از جهت ماهوی و شکلی و نیز لزوم ایجاد بسترهای اجرایی و امکانات

E-mail: rayejianasli@modares.ac.ir

* نویسنده مسئول مقاله:



مالی-آموزشی به نظر می‌آیند که رفع آن‌ها به منظور اجتناب از رویه‌های قضایی متهاافت ضروری است.

واژگان کلیدی: کیفرهای اجتماع‌محور، تعویق صدور حکم، دوره تعویق، قانون مجازات اسلامی، ایران

۱. درآمد

کیفرهای اجتماع‌محور ضمانت‌اجراهایی هستند که در بستر جامعه — و نه در مؤسسه‌ها و نهادهای دولتی سنتی — اجرا می‌شوند و جامعه در اجرای آن به نوعی مداخله می‌کند و حضور پررنگی دارد. از جمله این ضمانت‌اجراها تعویق صدور حکم است که نخست در سند قواعد حداقل راجع به تدابیر غیر سالب آزادی در سال ۱۹۹۰ (موسوم به قواعد توکیو) به عنوان گونه‌ای از جایگزین‌های حبس معرفی شد. این سامانه که در سال ۱۸۴۱ میلادی به ابتکار آگوستوس در بوستون و در بیرمنگام به کوشش هیل و با هدف اولیه اصلاح بزهکار به وجود آمد، عبارت از معوق ساختن صدور حکم محکومیت بزهکار، از یک سو و تحت مراقبت قرار دادن وی برای یک مدت آزمایشی، از سوی دیگر است. پس از پایان مدت مزبور، اگر بزهکار رفتار خوبی از خود بروز دهد، دیگر حکم محکومیت صادر نخواهد شد. برعکس، اگر بزهکار طی این مدت مرتکب اعمال ناشایست و ناقانونی شود، مشمول مجازات پیش‌بینی شده در حکمی که صدور آن به تعویق افتاده، خواهد شد [۱، ص ۱۹]. این نهاد در آغاز نسبت به مجرمان جوان اعمال می‌شد و سپس شکل قانونی به خود گرفت. ولی اولین بار در قانون ۱۹۶۴ بلژیک به عنوان یکی از تدابیر دفاع اجتماعی شناسایی شد [۲، ص ۲۸۳ و ۳، ص ۵۶۶].

قانونگذار ایران نیز به منظور بهره‌گیری از مزایای این رژیم (مانند کاهش هزینه‌های تحمیلی و نیز کاهش جمعیت زندان‌ها)، و در راستای راهبرد اصلاح بزهکاران و پیشگیری از جرم (بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی) و با گرایش به سوی حقوق کیفری

قراردادی شده، نخستین بار در فصل پنجم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این رژیم را همسو با آموزه‌های اسلامی که بر اصلاح و احیای بزهکار از میان روش‌های غیر کیفری تأکید بیش‌تری دارد، با الهام از حقوق جنایی اروپایی به رسمیت شناخته است.

این مقاله با توجه به نوظهور بودن این نهاد در ایران، مفهوم، شرایط و آثار این نهاد را در پرتو مطالعه تطبیقی با قوانین سه کشور اروپایی (فرانسه، انگلستان و آلمان) بررسی می‌کند. علت انتخاب این سه کشور، ارتباط موضوعی مقررات آن‌ها با مقررات ایران در زمینه تعویق صدور حکم است. در همین راستا، مسأله مقاله حاضر بر دو محور استوار است: ۱) جایگاه تعویق صدور حکم در حقوق ایران چیست؟ ۲) مهم‌ترین شباهت‌ها و یا تفاوت‌های این نهاد با توجه به هدف‌های ضمانت اجرای کیفری در سامانه‌های حقوقی تطبیقی برگزیده در این مقاله کدامند؟ بر این اساس، پس از مفهوم‌شناسی این نهاد، به شرایط و گونه‌های آن پرداخته خواهد شد.

۲. مفهوم‌شناسی

تعویق صدور حکم^۱ فرایندی قضایی است که در آن پس از طی مراحل کشف، تعقیب، تحقیق، صدور کیفرخواست و ارسال پرونده به دادگاه، دادرسی بعد از احراز مجرمیت^۲ مرتکب، می‌تواند با توجه به اهمیت جرم و لحاظ شرایط قانونی، برای مدتی معین، صدور حکم رسمی مبنی بر محکومیت بزهکار را به تأخیر [تعویق] انداخته، چرخه سامانه رسیدگی قضایی را از سرانجام کیفری به سرانجامی دیگر هدایت کند [۴ و ۵]. پس از به تعویق افتادن اعلام رسمی و نهایی محکومیت به کیفر، دادگاه برای دوره‌ای معین، ممکن است بدون یا به همراه تحمیل پاره‌ای نظارت‌ها یا دستورهای بزهکار، به آزمایش تلاش او در رعایت مقاصد مورد نظر دادگاه — که به طور معمول، شامل

1. defferment of sentence / defer passing sentence

2. criminality / guilty



فعالیت‌های جبران آثار جرم است — بپردازد.

اگر بزهکار براساس ارزیابی‌های نهایی دادگاه، در طول این مهلت آزمایشی، برای جبران آثار جرم، تلاش شایسته‌ای از خود نشان داده باشد و در پایان مدت، از آزمایش دادگاه سربلند بیرون آید، نتیجه آن، معافیت از کیفر خواهد بود؛ ولی اگر ارزیابی‌ها حاکی از مردودی مرتکب در رعایت شرایط قانونی باشد، دادرس می‌تواند اقدام به صدور حکم محکومیت یا تعویق مجدد کند [۶، ص ۱۲۵].

این نهاد را می‌توان یک تدبیر ارفاقی نسبت به بزهکاران اصلاح‌پذیری دانست که فاقد محکومیت کیفری مؤثرند؛ نهادی که سیاستگذاران جنایی امید دارند با اعمال آن، فرصتی به مجرمان داده شود تا به شوق معافیت از کیفر و بیم محکومیت به آن، با پیروی از نظارت‌ها یا دستورات دادگاه، کوشش بیش‌تری در جهت اصلاح رفتار خود کرده، با اشتغال به فعالیتی اقتصادی، جبران خسارات بزه‌دیده را بیش‌تر تأمین کند [۷، ص ۲۲۹]. بدین ترتیب باید گفت که این راهبرد جنایی، متوجه دو بعد بزهکار- بزه‌دیده است.

۳. شرایط تعویق صدور حکم

شرایط تعویق صدور حکم در ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی به شرح زیر آمده است: «در جرائم موجب تعزیر درجه شش تا هشت، دادگاه می‌تواند پس از احراز مجرمیت متهم، با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایطی، صدور حکم را به مدت شش ماه تا دو سال به تعویق اندازد که این شرایط عبارتند از: الف) وجود جهات تخفیف؛ ب) پیش‌بینی اصلاح مرتکب؛ پ) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ ت) فقدان سابقه محکومیت کیفری مؤثر. تبصره: محکومیت کیفری مؤثر، محکومیتی است که محکوم را به تبع اجرای حکم، براساس ماده ۲۵ این قانون، از حقوق اجتماعی محروم می‌کند».

مفاد این ماده را می‌توان ترکیبی از شرایط عمومی و شرایط اختصاصی لازم جهت تعویق صدور حکم دانست.

۳-۱. شرایط عمومی

۳-۱-۱. درجه شش تا هشت مجازات تعزیری

مبنای پیش‌بینی تعویق صدور حکم محکومیت، اجتناب از برچسب‌زنی رسمی کیفری به بزه‌کار در جرائم خفیف است؛ یعنی جرائمی که میزان مجازات آن‌ها سبک است. بر این اساس، در قانون فقط مرتکبان جرائم تعزیری درجه شش تا هشت (که شامل جرائم سبک است و مجرمین غیرخطرناک را در بر می‌گیرد) را می‌توان برخوردار از این رژیم دانست. در رابطه با این شرط چند نکته قابل ذکر است:

۱. طبق ماده ۱۹ این قانون، مجازات تعزیری درجه شش تا هشت بدین صورت مقرر شده‌اند: تعزیر درجه شش: «حبس بیش از شش ماه تا دو سال، جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰۰۰۰۰۰۰) ریال، شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال، انتشار حکم قطعی در رسانه‌ها». از جمله این دسته جرائم می‌توان به توهین ساده (موضوع ماده ۶۰۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵)، توهین مشدد (ماده ۶۰۹ همان قانون)، ترک انفاق (ماده ۵۳ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱) و تهدید (موضوع ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) اشاره کرد. تعزیر درجه هفت: «حبس از نود و یک روز تا شش ماه، جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال، شلاق از یازده تا سی ضربه، محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه». از جمله جرائم تعزیری درجه هفت می‌توان شکار و صید غیرقانونی (ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)، و تجاهر به استعمال مشروبات الکلی (ماده ۷۰۱ همان قانون) را نام برد. تعزیر درجه هشت: «حبس تا سه ماه، جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال، شلاق تا ده ضربه». این قبیل جرائم در قانون



مجازات اسلامی ۱۳۷۵ محدودند که از جمله می‌توان به خرید یا حمل نگهداری آلات و وسایل مخصوص قماربازی (موضوع ماده ۷۰۶ این قانون) اشاره کرد. طبق اطلاق ماده و ذکر نمونه‌هایی از جرائم قابل تعویق، می‌توان نتیجه گرفت که تعویق صدور حکم، نسبت به تمام جرائم تعزیری درجات ۶ تا ۸ اعم از قابل گذشت و غیر قابل گذشت قابل اعمال است.

۲. در تعویق صدور حکم، شرایط سنی خاصی لازم نیست و هر مرتکبی با تحقق سایر شرایط می‌تواند از این ارفاق برخوردار گردد که این موضوع از قانون فرانسوی (ماده ۶۰-۱۳۲) و قانون آلمانی (ماده ۵۹) قابل استنباط است. با وجود این، در ایران در تعویق صدور احکامی که مرتکب، کودک یا نوجوان باشد، در ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر شده است که دادگاه می‌تواند در مورد «تمام» جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق بیندازد. این در حالی است که در متن لایحه‌ی اولیه قانون مزبور، دایره امکان تنها یک درجه گسترده‌تر بود و درجه پنج را نیز شامل می‌شد. مبنای این تساهل آگاهانه قانونی را باید وضعیت روحی و جسمانی کودکان و نوجوانان و لزوم برخورد افتراقی نسبت به بزهکاری آنان و سعی در اجتناب حداکثری از ورودشان به دالان‌های پر پیچ و خم سامانه دادگری جنایی دانست.

این رویکرد ارفاقی چنان مدنظر قرار گرفته است که طبق نظریه شماره ۷/۹۳/۶۷ - اداره حقوقی قوه قضاییه، تعویق صدور حکم جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان با توجه به اطلاق ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شامل جزای نقدی نسبی، از جمله جزای نقدی مقرر در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ قانون تعزیرات نیز می‌شود و ممنوعیت‌های مقرر در ماده ۷۱ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز (مصوب ۱۳۹۲) با توجه به ماده ۹۴ قانون مجازات اسلامی درخصوص مصادیق منطبق با ماده صدرالذکر، شامل متهمان نوجوان نمی‌گردد.

۳. در قانون مجازات اسلامی جدید، تکلیف امکان یا عدم امکان تعویق صدور حکم

در موارد تعدد یا تکرار جرم به صراحت مشخص نشده است و ظاهر ماده ۴۰ قانون جدید تنها منصرف به پرونده‌های به اصطلاح تک‌جرمی است و برای مثال مشخص نیست که اگر شخصی مرتکب یک جرم تعزیری درجه چهار و نیز یک جرم تعزیری درجه شش شده باشد، نحوه جمع احکام مربوط به تعویق صدور حکم و احکام تشدید مجازات، به دلیل تعدد، چگونه است. این در حالی است که در ماده ۷۱ قانون، به صراحت نوع خاصی از تعدد، مانع اجرای جایگزین‌های حبس انگاشته شده است.

از دیدگاه تطبیقی، در ماده ۵۹ قانون جزای آلمان، به این مسأله توجه شده و با عنوان اخطار و تعویق درخصوص مجموع مجازات‌ها^۱ چنین آمده است: «(۱) در صورتی که شخصی مرتکب بیش از یک جرم گردد، در محاسبه مجازاتی که به طور موقت تعلیق خواهد شد، مفاد مواد ۵۳ تا ۵۵ با تغییراتی اندک اعمال خواهد شد. (۲) در صورتی که فرد محکوم، به دلیل ارتکاب جرمی که قبل از اخطار دادگاه انجام داده است، به جریمه مالی یا مدتی حبس محکوم گردد، مقررات قانونی مربوط به مجموع مجازات‌ها (مواد ۵۳ تا ۵۵ و ماده ۵۸) اعمال خواهد شد و طبق مفاد ماده ۵۵، مجازات تعلیقی موقت، معادل مجازات فوری خواهد بود» [۸، ص ۵۸]. همان‌طور که مشخص است، این قانون به طور دقیق این موضوع را براساس مواد خاص ارجاعی تبیین کرده است.

۳. امکان تعویق صدور حکم با برخی استثنائات مواجه است؛ به این معنا که در برخی جرائم نمی‌توان محکومیت مرتکب را به تعویق انداخت. این استثنائات را می‌توان براساس سه معیار جمع‌بندی کرد: استثنا به اعتبار جرم، استثنا به اعتبار نوع تعزیر و استثنا به اعتبار مجرم.

استثنا به اعتبار جرم این گونه است که طبق ماده ۴۷ قانون جدید، در ارتکاب یا شروع به ارتکاب پاره‌ای جرائم تعزیری (مانند جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی)، هرچند که از جرائم تعزیری درجه شش تا هشت (و در مورد کودکان، درجه پنج تا

1. warning and deferment in cases of aggregate sentences



هشت) باشد، بنا به اهمیت جرم و وجود پاره‌ای مصالح عمومی و برتری اصلاح جامعه بر فرد، امکان تعویق صدور حکم وجود ندارد. البته ابهام در ارائه تعریفی مشخص از برخی عناوین مجرمانه مذکور (از جمله جرم سازمان‌یافته، منافای عفت و قاچاق عمده) ممکن است در عمل باعث ایجاد رویه‌های متفاوت و در نتیجه تضییع حقوق افراد شود [۹].

منظور از استثنا به اعتبار نوع تعزیر این است که طبق تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی جدید، اطلاق مقرات برخی مواد قانون که از جمله آن‌ها مواد ۳۹ (معافیت از کیفر)، ۴۰ (تعویق صدور حکم) و ۴۵ (تصمیم دادگاه پس از گذشت مدت تعویق) است، شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود. به موجب نظریه شماره ۱۳۰۳ - ۹۲/۷/۳ اداره حقوقی قوه قضاییه «تعزیرات منصوص شرعی به تعزیراتی گفته می‌شود که در شرع مقدس اسلام، برای یک عمل معین نوع و مقدار کیفر مشخص شده است. بنابراین، مواردی که به موجب روایات و یا هردلیل شرعی دیگر به طور کلی و مطلق برای عملی تعزیر مقرر گردیده است، ولی نوع و مقدار آن معین نگردیده، تعزیر منصوص شرعی محسوب نمی‌شود؛ مانند این‌که جرم موضوع ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ تعزیر منصوص شرعی است، لکن سرقت تعزیر منصوص شرعی نمی‌باشد». علی‌رغم این نظریه، در رابطه با تعزیرات منصوص شرعی میان قفها اتفاق نظر وجود ندارد و به‌طور کلی چهار عملکرد دوگانه، سه‌گانه، چهارگانه و پانزده‌گانه در احصای تعداد این نوع از مجازات وجود دارد [۱۰، ص ۱۰۸].

بدین ترتیب، یکی از دشواری‌های محاکم در تعویق صدور حکم آن است که در هر مورد این ابهام مطرح است که آیا جرمی که مشمول مقررات تعویق است می‌توان این مقررات را نسبت به مرتکب اعمال کرد، از نوع تعزیر منصوص شرعی است یا غیر منصوص؟ آیا با وجود خلأ قانونی در احصای صریح جرائم تعزیری شرعی، می‌توان با چنین نظریات مشورتی مبهم و مجملی مشکل را حل کرد؟ در هر

حال به نظر می‌رسد از چالش‌های عملی در مسیر گسترش تعویق صدور حکم، دشواری تشخیص شرعی یا غیرشرعی بودن تعزیر بوده، این نهاد ارفاقی را بلاوجه محدود کرده است.

استثنا به اعتبار مجرم نیز به این معنا است که طبق ماده ۷ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر (مصوب ۱۳۹۴/۱/۲۳) «مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به آمر به معروف و ناهی از منکر نمایند، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی‌باشد». بنابراین، طبق این ماده، نسبت به قانون مجازات اسلامی، ممنوعیت تعویق صدور حکم نسبت به طیف بیش‌تری از افراد و جرائم اعمال شده است. نکته‌ای که تلویحاً از این ماده استنباط می‌شود این است که تعویق صدور حکم، به‌نوعی در مقابل دادرسی سریع قرار دارد و حاکی از آن است که قانونگذار بر آن بوده است که در جرائم مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر که بازتاب اجتماعی داشته، دستگاه قضا واکنش سریعی از خود نشان دهد و به نوعی حمایت عاجل از خود را به نمایش بگذارد.

۵. از دیدگاه تطبیقی، موضع کشورها درباره گستره جرائمی که در آن‌ها امکان تعویق صدور حکم وجود دارد، مختلف است. در فرانسه، براساس ماده ۵۸-۱۳۲، تعویق مجازات، در امور جنحه‌ای و خلافی به دادرسان واگذار شده است. در قانون مجازات فرانسه، کیفرهای خلافی عبارتند از جزای نقدی و کیفر سالب یا محدودکننده، که هریک دارای طبقاتی هستند و حسب مورد براساس قانون یا آیین‌نامه صادر شده از سوی هیأت وزیران تعیین می‌شوند [۱۱، ص ۷۸]. در این میان، موضع قانون جزای آلمان در این رابطه محدودتر به نظر می‌رسد؛ چرا که طبق ماده ۵۹ این قانون با عنوان شروط اخطار و تعویق وضع مجازات^۱ تنها در مواردی که شخصی به جرمه‌ای که بیش‌تر از یکصد و هشتاد واحد روزانه نباشد، محکوم شده باشد، امکان اخطار دادن در زمان صدور حکم برای او وجود دارد. مستفاد از این ماده، در حقوق آلمان، تعویق

1. conditions for warning and deferment



منوط به صدور اخطار در زمان صدور حکم محومیت از سوی دادگاه است. همچنین پس از احراز شرایط قانونی، مجازات را مشخص می‌کند، ولی وضع آن را به تأخیر می‌اندازد [۸، ص ۴۶].^۱

۳-۱-۲. اختیاری بودن تعویق صدور حکم

به تأخیر انداختن صدور حکم مجازات، از ابزارهای شخصی‌سازی کیفر است که دادگاه با ارزیابی شرایط پیرامونی جرم و تشخیص برخوردی ملایم‌تر نسبت به مجرم و برای تحقق بهتر دادگری نسبت به او می‌تواند این اختیار قانونی را اعمال کند. علت اختیار^۲ دادگاه در این قبیل موضوع‌ها، وجود تفاوت‌های گوناگون در شرایط و اوضاع و احوال پرونده‌های کیفری با جرائم مشابه است که هریک ویژگی‌های خاص خود را دارد. از این رو، لازم است این اختیار به دادگاه داده شود تا دست قاضی در اعمال استنباط قضایی خود در هر پرونده باز باشد. بر این اساس، نهاد یادشده با اعطای اختیارات به قاضی، اصل فردی کردن قضایی مجازات را — که در آن، اختیار امر از طرف قانونگذار به قاضی تفویض شده است — به جای اصل فردی کردن قانونی مجازات — که در آن، انجام آن به قاضی تکلیف شده — مورد توجه قرار داده است [۱۲، ص ۲۳۹۸].

۳-۱-۳. لزوم احراز مجرمیت مرتکب

شاخص برجسته تعویق صدور حکم، احراز مجرمیت است؛ یعنی دادرس پس از

۱. در حقوق جنایی آلمان به استناد مفاد ماده ۴۰ قانون مجازات، برای تعیین جریمه نقدی، میزان ثابتی وجود ندارد. بلکه جریمه براساس نرخ روز و به صورت «واحد» است. دادگاه، میزان واحد روزانه را با توجه به شرایط فردی و مالی مجرم تعیین می‌کند. دادگاه، به طور معمول، براساس متوسط درآمد واقعی خالص روزانه مجرم یا متوسط درآمدی که او می‌تواند در یک روز به دست آورد، میزان جریمه را معین می‌کند. واحد روزانه جریمه نباید کمتر از یک یا بیشتر از پنج هزار یورو تعیین شود. همچنین در هنگام تعیین واحد روزانه جریمه، باید درآمد مجرم، دارایی‌ها و دیگر عوامل مرتبط با مبلغ جریمه، ارزیابی شود. بنابراین، در آلمان، برای فائق آمدن بر انتقادات وارد بر جریمه نقدی، این راهکار مناسب در راستای شخصی‌سازی کیفر اتخاذ شده است [۸، ص ۳۳].

2. option

بررسی ماهوی پرونده و ترافع بین اصحاب دعوا و ارزیابی نهایی دلایل اثبات، ارتکاب جرم از سوی متهم را محرز دانسته، پس از تعیین عنوان مجرمانه و نوع جرم تعزیری و درجه آن، اقدام به اعمال اختیار خود می‌کند که نتیجه آن، توقف در وضع مجازات و اعلام رسمی آن به وسیله حکم است.

پرسش قابل طرح این است که اگر فردی که مجرمیتش از نظر دادگاه محرز است، نظر اتخاذی دادگاه را نپذیرد و به طور مثال، خود را مبرا از جرم انتسابی بداند، یا به عنوان انتسابی معترض باشد، آیا امکان تعویق وجود دارد؟

به نظر می‌رسد در این زمینه خلأ قانونی وجود دارد. البته در انگلستان به موجب ماده ۲۷۸ قانون دادگری جنایی ۲۰۰۳ (بخش ۲۳ زیر عنوان تعویق صدور حکم) [۱۳]، برای آن‌که دادگاه جنایی یا بخش بتواند صدور حکم را به تعویق بیندازد، با توجه به این‌که بزهکار در دوره تعویق، ملتزم به اجرای پاره‌ای از نظارت‌ها و دستورهای قضایی شده و این امر موجب محدودیت در آزادی رفتار او می‌شود، کسب رضایت بزهکار^۱ و نیز اقتناع دادگاه مبنی بر مناسبت تعویق با اجرای دادگری ضروری است؛ شرطی که در قوانین ایران، آلمان و فرانسه دیده نمی‌شود.

۳-۴. مدت دوره تعویق

طبق ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی جدید، طول دوره تعویق (اعم از ساده و مراقبتی)، حداقل شش ماه و حداکثر دو سال است. این وسعت دامنه مدت تعویق، نشان از عزم جدی قانونگذار در قضازدایی، کیفرزدایی و تمرکز بر اصلاح و بازپذیری بزهکار و نیز امهال بیش‌تر به او برای تأمین و جبران خسارت بزه‌دیده است. البته دادرس پس از آن‌که تصمیم به تعویق صدور حکم گرفت، لازم است مدت آزمایشی تعویق را به طور دقیق معین کند (به طور مثال، یک سال از تاریخ ۱۴ / ۷ / ۱۳۹۱ تا ۱۴ / ۷ / ۱۳۹۲). بنابراین، دادگاه نمی‌تواند از عبارات مبهمی چون یک فصل یا نصف سال، به مدتی که

1. the offender consents



مدنظر دادگاه است و یا تا زمان احراز علائم مجرم استفاده کند؛ زیرا تعیین دقیق زمان تعویق، علاوه بر این که بیانگر مدت محرومیت از برخی آزادی‌های فردی ناشی از اعمال نظارت‌ها و دستورهای دادگاه است، بلکه به معنای میزان مهلت بزهکار برای انجام وظایف است و وانگهی می‌تواند اثر خود را در حالاتی که مرتکب به وظایف خود عمل نمی‌کند و تصمیم دادگاه مبنی بر لغو تصمیم است، نشان دهد.

این مهلت در قوانین جنایی اروپایی متفاوت است؛ به گونه‌ای که در فرانسه براساس ماده ۶۲-۱۳۲ بدون تعیین حداقل برای آن، حداکثر یک سال پس از نخستین تصمیم به تعویق، اتخاذ می‌شود. در حالی که این مدت در ماده قانون دادگری جنایی ۲۰۰۳ انگلستان حداکثر تا شش ماه است. همچنین در بند ۱ ماده ۵۹ «الف» قانون مجازات آلمان، طول این دوره، بیش‌تر از دو سال و کم‌تر از یک سال نخواهد بود. بدین ترتیب، در آلمان مدت این دوره بیش‌تر است و در نتیجه، فرصت بزهکار برای اصلاح رفتاری خود و انجام سایر وظایف قانونی بیش‌تر است.

۳-۱-۵. لزوم حضوری بودن قرار تعویق

مستفاد از تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی جدید، دادگاه نمی‌تواند قرار تعویق صدور حکم را به صورت غیابی صادر کند. به عبارت دیگر، برای این که دادرس بخواهد صدور حکم را به تعویق بیندازد، لازم است صدور قرار تعویق به صورت حضوری باشد تا دادرس بتواند شناخت جامعی از وضعیت مرتکب پیدا کند و این خود، اشاره به رسالت این نهاد – یعنی اصل شخصی‌سازی کیفر – دارد.

۳-۲. شرایط اختصاصی

۳-۲-۱. وجود جهات تخفیف

براساس بند «الف» ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی، نخستین شرط اختصاصی برای امکان به تعویق انداختن صدور حکم محکومیت در ایران (که در قوانین فرانسه،

انگلستان و آلمان دیده نمی‌شود)، وجود جهات تخفیف است که در ماده ۳۷ قانون جدید بر شمرده شده است.

۳-۲-۲. پیش‌بینی اصلاح مرتکب

پیش‌بینی اصلاح مرتکب را می‌توان شرط اساسی تعویق صدور حکم دانست؛ زیرا مقصود نهایی از تعویق، بازپذیرسازی اجتماعی بزهکار و تلاش در راستای اصلاح و درمان او است. این پیش‌بینی با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، صورت می‌پذیرد. شرط پیش‌بینی اصلاح مرتکب به معنای پیش‌بینی عدم تکرار جرم است؛ زیرا همسو با تحولات امروزی جرم‌شناسی بالینی، دیگر نمی‌توان با اتخاذ تدابیری معین، فرد را تبدیل به یک شخص تمام‌هنجارمند اجتماعی کرد و او را به‌واقع اصلاح و درمان کرد، بلکه باید این شرط را با هدف غایی این نهاد – یعنی پیشگیری از تکرار جرم به‌وسیله غیر کیفری – تبیین کرد و این‌گونه اظهار داشت که دادرس باید پیش‌بینی کند که بزهکار دیگر مرتکب جرم نمی‌شود. به همین دلیل است که از عوامل الغای این قرار، ارتکاب جرم در دوره تعویق است. البته این پیش‌بینی به معنای ظن دادرس است؛ بدین معنا که احتمال دهد مرتکب، اصلاح‌پذیر [به معنای فوق] است و در همین راستا مدتی را به‌عنوان مدت تعویق در قرار معین می‌کند تا در این دوره به ارزیابی صحت و سقم این احتمال بپردازد و در نهایت در صورت اطمینان از اصلاح، با توجه میزان رعایت نظر دادگاه، حکم به معافیت از کیفر بدهد.

هرگاه شرایط قانونی مذکور هنگام صدور رأی توسط دادگاه صادرکننده حکم وجود داشته باشد، دادگاه می‌تواند تصمیم بگیرد که هیچ‌گونه کیفری، نه کیفر اصلی و نه کیفر جانشین را مورد حکم قرار ندهد؛ اما اگر شرایط یاد شده تکمیل نشده باشد، ولی در جریان تکمیل شدن باشد، دادگاه می‌تواند تصمیم به تعویق صدور کیفر با تعیین تاریخی در محدوده معین قانونی بگیرد [۱۴، ص ۱۳۰-۱۳۱].



۳-۲-۳. جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن

برای آن‌که بزهکار بتواند با استفاده از رژیم تعویق صدور حکم، از محکومیت کیفری و تحمل کیفر بگریزد، لازم است ضرر و زیان بزه‌دیده را جبران و یا ترتیب جبران آن را برقرار سازد. مسأله جبران خسارت بزه‌دیدگان از مهم‌ترین دغدغه‌های جرم‌شناسان در دهه‌های اخیر بوده، به گونه‌ای که تلاش و اهتمام حقوق‌دانان، مجریان و متصدیان سامانه دادگری جنایی از سطوح داخلی فراتر رفته، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به انعقاد سندهای منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه جبران زیان‌دیدگی بزه‌دیدگان شده است. رهاورد این تحولات، ایجاد رشته بزه‌دیده‌شناسی حمایتی است که بر این اندیشه استوار است که جامعه به طور کلی و نظام دادگری جنایی به طور خاص باید در همه لایه‌های خود (یعنی لایه‌های مشارکتی، قانونگذارانه، قضایی و اجرایی) توجه به حق‌های شایسته و نیازهای بایسته بزه‌دیده را وارد سازند و به ترمیم آسیب دیدگی‌ها و جبران آثار بزه‌دیدگی آنان جامه عمل بپوشانند [۱۵، ص ۱۵]. این منظور را می‌توان در الگوی دادگری ترمیمی مشاهده کرد؛ سامانه‌ای که در آن، با معرفی پدیده مجرمانه به‌عنوان ایجادگر رابطه دوجانبه بزهکار و بزه‌دیده، به جبران خسارت ناشی از جرم توجه ویژه شده است.

بدین‌سان، حقوق جنایی به منزله کانون سیاست جنایی سنجیده و کارآمد، ممکن است در جرم‌های خرد یا کم‌شدت، ضمن ارفاق به بزهکار به منظور بازپروری و بازپذیری اجتماعی وی، معافیت او از کیفر را منوط به جبران زیان وارد شده یا پذیرفتن مسئولیت جبران آن سازد [۱۶، ص ۱۹۷]. از دیدگاه تطبیقی، در قانون فرانسه، جبران خسارت شرط مقدم تعویق دانسته شده است، در حالی که در ایران، ترتیب جبران خسارات نیز می‌تواند پذیرفته شود. بر این اساس، مقررره اخیر، با تساهل بیش‌تری روبه‌رو است.

۳-۲-۴. فقدان سابقه مؤثر کیفری

به موجب بند «ت» ماده ۴۰ قانون مجازات اسلامی جدید، چهارمین شرط اختصاصی برای امکان تعویق صدور حکم این است که که بزهکار فاقد سابقه محکومیت کیفری مؤثر باشد. محکومیت کیفری مؤثر، براساس تبصره این ماده، محکومیتی است که بزهکار را به تبع اجرای حکم طبق ماده ۲۵ همان قانون، از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. جرائم مندرج در ماده اخیر، همان جرائمی هستند که دارای مجازات تبعی‌اند؛ یعنی جرائمی که به تبع اجرای کیفر، بدون آن‌که در حکم کیفری ثبت شوند، فرد را از حقوق اجتماعی محروم می‌کنند. بر این مبنا اگر شخصی که در کارنامه‌اش مرتکب یکی از جرائم زیر شده و کیفر نسبت به او اجرا شده باشد، نمی‌تواند از امتنان قانون در تعویق صدور حکم بهره مند شود. این جرائم عبارتند از: الف) محکومیت به کیفرهای سالب حیات و حبس ابد (هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی)؛ ب) محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه بزه‌دیده یا کمتر از آن باشد، نفی بلد و حبس درجه چهار (سه سال)؛ و پ) محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو، در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه بزه‌دیده یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج (دو سال).

از نظر تطبیقی، در مورد شرایط اختصاصی تعویق، در قوانین فرانسه و آلمان، شرط فقدان سابقه کیفری مؤثر وجود ندارد؛ ولی با وجود این، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در قانون مجازات آلمان، به موجب ماده (۵۹)، پس از محکومیت شخص، دادگاه او را مطلع کرده، مجازات را به طور ضمنی اعلام می‌کند و تعیین آن را به تعویق می‌اندازد که این در صورتی است که:

۱. دادگاه پیش‌بینی کند [احتمال دهد] بزهکار، جرم دیگری مرتکب نخواهد شد؛ بدون تعیین فوری مجازات [دادگاه بدون این که کیفر را تعیین کند، اگر احتمال دهد که بزهکار، مرتکب جرم جدیدی نخواهد شد، صدور حکم مورد نظر را به تأخیر می‌اندازد].
۲. ارزیابی همه‌جانبه جرم و شخصیت بزهکار، وجود شرایط خاصی را ایجاب کند



که تحمیل کیفر را برطرف سازد [ارزیابی شرایط جرم و بزهکار، به گونه‌ای باشد که تحمیل کیفر را مقتضی نمی‌داند].

۳. جهات بازدارندگی عام^۱، اقتضای تحمیل یک کیفر را ندارد.

با توجه به مفاد بالا، شرط جبران خسارت، که در حقوق ایران، فرانسه و انگلستان وجود دارد، در حقوق آلمان دیده نمی‌شود. همین‌گونه است عدم توجه به پیش‌بینی ترمیم نظم عمومی جامعه که از شرایط لازم برای تعویق صدور حکم در فرانسه است.

۴. گونه‌ها

اختیار دادگاه مبنی بر تعویق صدور حکم، براساس ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی جدید، به دو شکل ساده و مراقبتی امکان‌پذیر است.

۴-۱. تعویق ساده

به استناد بند «الف» ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی، چنانچه دادرس پس از ارزیابی شرایط پیرامونی جرم و بزهکار، تعویق صدور حکم را اتخاذ کند، لازم است وضعیت بزهکار در دوره تعویق و نوع تعامل او با دادگاه را تعیین کند. هدف از اجرای این ساز و کار در ابتدا «حمایت از جامعه» و «کمک به بازپروری بزهکاران» بوده است. این کارکرد دوگانه به معنای مراقبت از بزهکاران و نظارت دقیق بر رفتار آنها و فراهم آوردن خدمات حمایتی برای بزهکاران نیازمند بوده است [۳، ص ۵۷۸]. اما در دهه‌های اخیر و با برجسته شدن نقش بزه‌دیده در فرایند رسیدگی‌ها، منافع و مضار او نیز مورد توجه قرار گرفته، جبران خسارت وارد ناشی از جرم نیز به عنوان یکی از اهداف تعویق در نظر گرفته شده است. بر این اساس باید امروزه از اهداف سه‌گانه این نهاد سخن به میان آورد.

1. reasons of general deterrence

در قانون مجازات فرانسه — که به نظر می‌رسد مبنای نهادینه‌سازی تعویق در ایران باشد — طبق ماده ۶۰-۱۳۲، تعویق ساده^۱ بدین شکل مقرر شده است: «دادگاه می‌تواند حکم اعلام کیفر را به هنگامی که محرز باشد بازپذیری اجتماعی بزهکار از این شیوه به دست می‌آید، زیان وارد از این راه جبران می‌شود و ضرر و زیان ناشی از جرم متوقف می‌گردد، به تعویق اندازد. . .». مستفاد از این ماده، شرایط تعویق ساده صدور حکم عبارت است از: قریب‌الوقوع بودن بازپذیری و اصلاح مجرم (با هدف فردی‌سازی کیفر)، در شرف جبران بودن منافع از دست‌رفته بزه‌دیده (با هدف جبران خسارت) و در شرف جبران بودن منافع جامعه (با هدف ترمیم نظم مختل شده به وسیله جرم) که با مقایسه مفاد مقررات ایران و فرانسه، این نکته مشخص می‌گردد که برای تعویق صدور حکم در ایران، برخلاف فرانسه، توجهی به نظم و منافع عمومی جامعه نشده و در شرف جبران بودن آن نیز ملاک نیست.

۲-۴. تعویق مراقبتی

در تعویق مراقبتی، براساس بند «ب» ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی، علاوه بر شرایط تعویق ساده، مرتکب متعهد می‌گردد دستورهای و تدابیر مقرر به وسیله دادگاه را در مدت تعویق رعایت اجرا کند. برخلاف تعویق ساده که در آن، بزهکار ملزم به اجرا یا رعایت موازین قضایی خاصی در دوره تعلیق نیست، در تعویق مراقبتی — همان‌طور که از نام آن پیدا است — بزهکار تحت مراقبت قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این نوع تعویق، دادگاه، صرف‌الخذ تعهد از بزهکار را کافی ندانسته و از این رو، خود با اتخاذ تدابیری قضایی (به معنای عام) به آزمایش رفتار بزهکار پرداخته، او را تحت رژیم خاصی از نظارت‌ها و یا دستورهای قرار می‌دهد. شرایط و دستورهایی که برای فرد در این دوره تعیین می‌شود، به طور معمول دو نوعند:

1. ajournement simple

۴-۲-۱. تعویق مراقبتی همراه با تدابیر نظارتی

به استناد بند «ب» ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی جدید، پس از آن‌که دادگاه شرایط عمومی تعویق صدور حکم و نیز شرایط اختصاصی تعویق ساده (پیش‌بینی عدم ارتکاب جرم و اخذ تعهد عدم تکرار جرم) را محقق دید، می‌تواند در ضمن صدور قرار تعویق، تدابیری را مقرر داشته، از بزه‌کار رعایت آن‌ها را بخواهد. این تدابیر براساس ماده ۴۲ قانون اخیر به شرح زیر:

- حضور به موقع در زمان و مکان تعیین‌شده توسط مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر،

- ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک آسان‌کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی،

- اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی،

- کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور.

از نظر آیین شکلی اجرای این منظور، در ماده ۵۵۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ چنین مقرر شده است: «محکوم‌علیه ... مکلف است ... در طول دوره تعویق صدور حکم، امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه‌ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص می‌نماید، فراهم آورد و هرگونه اقدامی از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت، که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می‌سازد، از قبل به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند».

می‌توان گفت مأمور مراقبتی همان مددکار اجتماعی است که از لحاظ اداری و نظارتی زیر نظر قاضی اجرای احکام کیفری قرار دارد. مددکاران اجتماعی کسانی هستند که برای شناسایی شخصیت بزه‌کاران و ناراحتی‌های عادی، معنوی، شخصی، خانوادگی و اجتماعی زندانیان با اداره زندان همکاری و با راهنمایی و هدایت زندانیان

نسبت به حل مشکلات آنان اقدام می‌کنند [۱۷، ص ۱۱۸].

از دیدگاه تطبیقی نیز این رژیم براساس مفاد مواد ۴-۱۳۲ تا ۴۶-۱۳۲ قانون مجازات فرانسه [مربوط به نهاد تعلیق همراه آزمون و مراقبت] اجرا می‌شود (ماده ۶۴-۱۳۲) که طبق آن، محکوم باید تدابیر نظارتی مذکور در ماده ۴۴-۱۳۲ را رعایت کند؛ تدابیری که از جمله آن‌ها می‌توان به پاسخگویی به احضاریه‌های قاضی اجرای مجازات‌ها^۱ یا مأمور انتصابی پروباسیون^۲، پذیرش ملاقات با مددکار اجتماعی^۳ و انتقال اطلاعات و اسناد حاکی از اجازه نظارت بر ابزارهای موجود و اجرای تعهدات، اشاره کرد.

۴-۲-۲. تعویق مراقبتی همراه با دستور

بر اساس ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی جدید، دادگاه صادرکننده قرار تعویق می‌تواند با توجه به جرم ارتكابی، خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او، به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی و عمده ایجاد نکند، مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد از دستورهای خاص مثل حرفه‌آموزی، درمان بیماری یا ترک اعتیاد و... ملزم کند. این قبیل دستورها را می‌توان در قوانین کشورهای انگلستان و آلمان و فرانسه (از جمله ماده ۴۵-۱۳۲ قانون فرانسه) نیز مشاهده کرد که به نظر می‌رسد الهام‌بخش قانونگذار ایران نیز بوده است. در رابطه با این دستورها ذکر چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

۱. این دستورها به طور عمده در راستای از بین بردن علل و زمینه‌های ارتكاب جرم بوده، به دنبال برطرف کردن نقاط ضعف موجود در بزه‌کار است.

۲. این دستورها باید با توجه به جرم ارتكابی و خصوصیات مرتکب و شرایط زندگی او، به نحوی که در زندگی وی یا خانواده‌اش اختلال اساسی ایجاد نکند، اعمال شود.

1. les convocation du juge de l'application des peines
2. agent de probation
3. le travailleur social



۳. دستور «حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص» به طور معمول برای بزهکاران بیکار یا ولگرد و یا برای بزهکارانی که شغلشان زمینه‌ساز ارتکاب جرم شده است، صادر می‌شود.

۴. همان طور که شورای رهنمودهای صدور حکم در انگلستان، در «قسمت ۱.۲.۸» رهنمودهای ابلاغی خود در سال ۲۰۰۴ ابراز داشته، این شرایط و دستورها باید معین و قابل اندازه‌گیری باشند؛ به طوری که از یک سو، بزهکار بداند ملزم به انجام چه کاری است و از سوی دیگر، دادگاه بتواند میزان رعایت آن‌ها توسط مرتکب را ارزیابی کند. همچنین ایجاد محدودیت در آزادی‌های فرد باید به طور حداقلی و محدود در نظر گرفته شود تا بزهکار انتظاری معقول از توانایی خود در رعایت آن‌ها را در خلال مدت باقیمانده از دوره تعویق داشته باشد [۱۸، ص ۱۵].

۵. سرانجام قرار تعویق

سرانجام قرار تعویق بستگی به رفتار مرتکب در دوره تعویق دارد و ارزیابی نهایی دادگاه بر این اساس انجام می‌گیرد. این مسأله دارای چنان اهمیتی است که شورای رهنمودهای صدور حکم در انگلستان، در «قسمت ۱.۲.۹» رهنمودهای ابلاغی خود مقرر می‌دارد: با توجه به لزوم شفافیت در رأی مربوط به مجرم، و احتمال صدور حکم به کیفر توسط دادگاه دیگر، دادگاه باید صریحاً نوع مجازاتی را که در اثر عدم رعایت تعهدات، تحمیل خواهد شد، در قرار صادره تعیین کند و «در هنگام تعویق حکم، دادرس باید به طور شفاف، نتایج عدم رعایت هریک از شرایط و دستورها را مشخص سازد و باید نوع مجازاتی که قصد تحمیل آن را دارد نیز در قرار اصلی تعیین کند» [۱۹].

۵-۱. سرانجام قرار در طول مدت تعویق

در طول مدت تعویق، ممکن است دو حالت پیش آید که عبارتند از: الغای قرار تعویق و

صدور حکم محکومیت و افزوده شدن مدت تعویق.

۵-۱-۱. الغای قرار تعویق

مستفاد از ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی جدید، در صورت ارتکاب یکی از جرائم حدی، قصاصی، جنایات عمدی مستوجب دیه یا عمدی تعزیری تا درجه هفت در طول مدت تعویق، از سوی بزهکار (ارتکاب جرم دیگر)، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام کرده، حکم محکومیت را صادر می‌کند. در این رابطه باید توجه داشت که برای الغای قرار تعویق، لازم است شخصی که حکم نخستین او به تعویق افتاد و به اتهام جرائم جدید بالا تعقیب شد، باید محکومیتش در این جرائم قطعی شود؛ به گونه‌ای که به موجب نظریه مشورتی شماره ۱۰۳۵-۱۸۶/۱-۹۲ مورخ ۹۲/۸/۶ اداره حقوقی قوه قضاییه [۲۰]، انتساب اتهام به‌تنهایی نمی‌تواند موجب لغو قرار تعویق صدور حکم شود، زیرا ممکن است متهم پس از محاکمه تبرئه گردد.

عامل دیگری که می‌تواند موجب الغای قرار تعویق باشد، به موجب ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی جدید این است که دادگاه پس از تعویق صدور حکم، احراز کند که بزهکار دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر یا محکومیت‌های قطعی دیگری بوده است که در میان آن‌ها محکومیت تعلیقی وجود داشته و بدون توجه به آن، صدور حکم محکومیت معوق شده است که در این صورت، قرار تعویق را لغو می‌کند.

۵-۱-۲. افزوده شدن مدت تعویق

افزوده شدن مدت تعویق، به معنای طولانی‌تر شدن دوره تعویق است. براساس بخش دوم ماده ۴۴ قانون اخیر، قاضی می‌تواند در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه از سوی مرتکب، برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار، به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند. بدین ترتیب، عدم اجرای دستورات دادگاه، بسته به تصمیم دادرس، می‌تواند هم عاملی برای اضافه شدن مدت تعویق و هم عاملی برای الغای آن



باشد. برای مثال، اگر مدت مندرج در قرار نخستین، شش ماه بوده باشد، دادگاه می‌تواند یا تصمیم بگیرد که تا نصف مدت مذکور (یعنی تا سه ماه) به این دوره بیفزاید و یا این‌که به طور کلی از ادامه دوره جلوگیری و اقدام به صدور حکم کند.

۵-۲. سرانجام قرار پس از گذشتن مدت تعویق

به استناد ماده ۴۵ قانون مجازات اسلامی جدید، پس از گذشتن مدت تعویق، دادگاه با تشکیل جلسه‌ای در سررسید، پس از ارزیابی میزان پای‌بندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه و گزارش‌های مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، حسب مورد به صدور حکم تعیین کیفر و یا معافیت از کیفر اقدام می‌کند.

البته در قانون مجازات فرانسه، گزینه سومی نیز پس از گذشتن مدت تعویق وجود دارد و آن تعویق مجدد است. طبق ماده ۶۱-۱۳۲ این قانون، در صورت عدم اقناع دادگاه مبنی بر صلاحیت مرتکب در معافیت از کیفر، با تعویق مجدد صدور حکم، یک فرصت دیگر نیز به او داده می‌شود تا تلاش مجددی در راه بازسازی خود در جامعه نشان دهد.

نکته‌ای که در قانون دادگری جنایی انگلستان به آن توجه شده، نحوه تعامل دو دادگاه در هنگام لزوم مداخله در زمان تعویق است. براساس قسمت (1B (3) ماده ۲۷۸ قانون دادگری جنایی ۲۰۰۳، دادگاهی که به موجب قسمت 1A صدور حکم مجازات را به تعویق انداخته، ممکن است در مواقعی قبل از پایان مدت تعویق، با مجرم ارتباط برقرار کرده، او را نزد خود فرا خواند [۱۸، ص ۳].

۶. نتیجه‌گیری

از واکاوی مقررات قانون مجازات اسلامی جدید در رابطه با تعویق صدور حکم و مقایسه آن با قوانین فرانسه، انگلستان و آلمان، چنین استنباط می‌شود که روح حاکم بر

آن‌ها، توجه توأم به دو کارکرد اصلاح و بازسازی بزهکار و جبران خسارت بزه‌دیده است که بدیهی است به تعویق‌افکنی و در نهایت معافیت از کیفر، آثار چشم‌گیری در کاهش محکومیت‌ها، جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های ناشی از اجرای کیفر خواهد داشت. البته با وجود شباهت کلی میان قواعد تعویق، تمایزهایی میان آن‌ها مشاهده می‌شود که برخی مربوط به شرایط تعویق و برخی نیز در رابطه با ویژگی‌های دوره تعویق است؛ از جمله این که گستره جرائم قابل تعویق، در آلمان محدودتر و از طرفی، مدت دوره تعویق در این کشور (یک تا دو سال) بیش‌تر از ایران، فرانسه و انگلستان است. همچنین در انگلستان، رضایت مجرم، از شرایط تعویق صدور حکم است، ولی در سایر کشورهای مورد بحث، چنین شرطی لحاظ نشده است. به‌علاوه عدم امکان تعویق مجدد در قانون مجازات ایران و امکان آن در فرانسه و نیز عدم شرط نداشتن سابقه کیفری مؤثر در فرانسه و شرط بودن آن در مقررات ایران نیز از تفاوت‌های مقررات کشورهای یادشده در این زمینه است.

در کنار تفاوت‌ها و شباهت‌های مذکور در مورد تعویق صدور حکم، در مقررات قانون مجازات اسلامی جدید، نقاط ابهام و ضعف و نیز نبود بسترهای لازم در این خصوص مشاهده می‌شود که آن‌ها را می‌توان ناشی از عدم توجه کافی به تجربه‌های کشورهای دیگری که در این زمینه مقرراتی پیش‌بینی کرده‌اند، دانست؛ هرچند که بعد از اجرای قانون یاد شده، برخی نهادها از جمله اداره حقوقی قوه قضاییه با صدور نظرهای مشورتی در این رابطه، برخی ابهامات را برطرف کرده‌اند. با وجود این، به منظور ایجاد وحدت رویه در اجرای نهاد تعویق [و سایر نهادهای مشابه] می‌توان پیشنهاد ایجاد یک مؤسسه یا نهاد مراقبتی ویژه با ساز و کارهای تعریف شده قانونی با محوریت قاضی اجرای احکام کیفری را ارائه داد؛ نهادی که می‌تواند خلأهای امکاناتی و آموزشی و حتی دغدغه‌های بودجه‌ای - مالی ضروری جهت تحقق مراقبت‌های مربوط به دوره مراقبت را کاهش دهد؛ نهادی که می‌تواند در چارچوب آیین‌نامه ماده ۵۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مبنی بر نحوه اجرای قرار تعویق صدور حکم و



سایر نهادهای مشابه پیش‌بینی گردد.

۷. منابع

- [۱] پرادل، ژان، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۵، تهران، سمت، ۱۳۹۰.
- [۲] زراعت، عباس، *حقوق جزای عمومی (تطبیق در قانون جزای فرانسه، لبنان، اردن و ایران)*، تهران، فکرسازان، ۱۳۸۴.
- [3] Petersilia, Joan; *Probation and Parole: The Handbook of Crime & Punishment*, edited by Michael Tonry, Oxford University Press, New York, 1998.
- [4] “Deferred Sentence Law & Legal Definition”; at: [www.uslegal.com / legal / definition / home/ D / htm](http://www.uslegal.com/legal/definition/home/D/htm).
- [5] “Deferred Sentence”; at: [www.uslegal.com /US Legal /Legal Definitions Home / D/ Deferred Sentence Law & Legal Definition](http://www.uslegal.com/US Legal /Legal Definitions Home / D/ Deferred Sentence Law & Legal Definition).
- [6] Curzon, L. B; *Dictionary of law*, 6th edition, Longman: An imprint of person education, 2002.
- [۷] آشوری، محمد، *جایگزین‌های مجازات زندان یا مجازات‌های بینابین*، تهران، گرایش، ۱۳۸۲.
- [8] Bohlander, Michael, *The German Criminal Code*; volume 1, Oxford and Portland, Oregon, Hart Publishing, 2008.
- [۹] براری، وحید، تعویق صدور حکم، به آدرس اینترنتی: <http://www.vahidbarari.blogfa.com/post/3>
- [۱۰] برهانی، محسن، نادری‌فر، مریم، «تعزیرات منصوص شرعی؛ مفهوم و مصادیق قانونی»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۴.
- [۱۱] گودرزی بروجردی، محمد رضا و مقدادی، لیلا، *ترجمه قانون مجازات فرانسه*

- (برای معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه - مرکز مطالعات توسعه قضایی)، تهران، سلسبیل، ۱۳۸۶.
- [۱۲] نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، مباحثی در علوم جنایی (مجموعه تقریرات)، به کوشش شهرام ابراهیمی، ویراست ۶، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۹۰.
- [13] *Criminal Justice Act 2003* (c. 44), London, Published by TSO (The Stationery Office) Shops.
- [۱۴] لوترمی، لورانس و گلب، پاتریک، *بایسته‌های حقوق کیفری عمومی فرانسه*، ترجمه محمود روح الامینی، تهران، میزان، ۱۳۸۷.
- [۱۵] رایجیان اصلی، مهرداد، *بزه‌دیده‌شناسی، تحولات بزه‌دیده‌شناسی*، ج ۱، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۰.
- [۱۶] _____، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، چ ۲، تهران، مؤسسه انتشارات دادگستر، ۱۳۹۰.
- [۱۷] رضایی، غلامحسین، *راهنمای تعلیق و تعویق در فرایند کیفری*، تهران، میزان، ۱۳۸۹.
- [18] *Sentencing Guidelines Council*, New Sentences: Criminal Justice Act 2003, at: http://sentencingcouncil.judiciary.gov.uk/docs/web_new_sentences_guideline1.pdf, 2004.
- [19] Bryan, Robert and Lydia Waine, "Deferring the Day of Reckoning"; at: http://www.onepaper.co.uk/N6_Deferment%20Article.pdf, 2012.
- [۲۰] اداره کل امور حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه، نظریات مشورتی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مندرج در پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی: www.edarehoquqi.ir